

# در حاشیه تعطیلی مدارس به دلیل شیوع آنفلوانزا و آلودگی هوا



کارکون: محمدعلی رجبی

هیجان خرید

در تخفیفات فصلی

کلیک / صفحه ۸

گیر کن / صفحه ۴

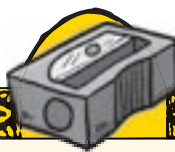
فارغ التحصیلان  
در آینده نه چندان دور

سریع‌السیرترین  
سازمان کشور!

میشه ایچور بره؟ / صفحه ۲



سجید تشریزی



سرکن

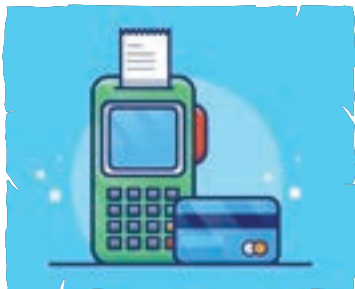
## کنسرت مشترک MAZ & OX در دبی!

- سلام مازوت!
- سلام اکسیژن!
- چه می کنی مازوت؟!
- می سوزم و می سازم! تو چی کار می کنی اکسیژن؟!
- من از سوخت و ساز تو دنیام رو می سازم مازوت!
- الهی بری زیر دی اکسیدکربن به حق این روزای آلوده! یعنی از سوختن دنیای من، دنیای تو ساخته می شه اکسیژن؟!
- چرا شاکی می شی؟ خب تقصیر من چیه مازوت؟! تا وقتی تو نمی سوزی، من توی هوا ول می چرخم، همه مردم هم مفت و مجانی می گیرنم. ولی هروقت تو می سوزی، عرضه من در بازار کم می شه و ارزشم می ره بالا و دستان پشت پرده من رو می گیرن فشار می دن توی کپسولای بزرگ و کوچیک و مردم برای نفس کشیدن مجبورن برن بیمارستان و داروخونه، خداتومن پول بدن، ساییای مختلف کپسولام رو بخرن تا بتونن یکی دو کام از من رو استنشاق کنن!
- آخ که دود می سوزه که من باید بسوزم و ببازم ولی تو دنیا رو گرفتی به بازی و هستی راضی!
- شعر نگو مازوت! خب به من چه که تو رو می سوزونن توی نیروگاه؛ سلامتی آدما رو کردن ایستگاه؛ واسه سود بیشتر و هزینه کمتر.
- خودتم که داری شعر می گی اکسیژن! نظرت چیه گروه MAZ & OX رو راه بندازیم و یک کنسرت بذاریم توی دبی و همین شعرایی که گفتیم رو بخونیم؟! مطمئنم از کنسرت مهران منیری با کیفیت تر می شه!
- موافقم مازوت! فقط چون شما روی شهرهای بزرگ و صنعتی جا خوش کردی و یه باد یا بارون بیاد از صحنه روزگار محو می شی، فکر نکنم بتونی اون همه راه بیای خارج. همینجا باید بسوزی و بسازی.
- ای تف به این بخت سیاه من! باشه اکسیژن، تو تنها برو. فقط مشغول الذمه ای اگه مثل مهران منیری، موقع کنسرت شعر و ترانه من رو خراب کنی و بدون ذکر منبع از آثارم استفاده کنی!

## مشه ایچور بره؟!

خسرو آبادیان

### سریع السیرترین سازمان کشور!



**آذر ۱۴۰۴:** تفاهم نامه ای سراسر عشق و علاقه میان بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی امضا شد. بر اساس آن ۸ درصد از کارت های کشیده شده در برخی فروشگاه ها از طریق دستگاه های کارت خوان به صورت علی الحساب و آنی به حساب خزانه منظور می شود. از آنجا که مالیات بر ارزش افزوده ۱۰ درصد ناقابل است، آن ۲ درصد باقی مانده را فروشندگان می توانند طی سه ماه آینده با خیال راحت تسویه کنند!

**بهمن ۱۴۰۴:** سازمان امور مالیاتی در راستای شفافیت حداکثری، یک مأمور مالیاتی خوش مشرب در هر فروشگاه مستقر می کند تا بر تراکنش های نقدی نظارت کند. هرگاه مشتری عزیزی قصد پرداخت وجه نقد داشت، مأمور دلاور مالیات با سرعتی هم ردیف سرعت نور وارد عمل می شود، ۸ درصد از مبلغ را به عنوان مالیات علی الحساب و ۸ درصد دیگر را نیز با عنوان کارمزد نظارت بر شفافیت و وصول آنی مالیات در محل کسر می کند. دیگر نیازی به رفتن به اداره مالیات نیست؛ اداره مالیات به پیش شما می آید!

**اسفند ۱۴۰۴:** با توجه به خریدهای شب عید و احتمال بازگرداندن کالا، سازمان امور مالیاتی مسئولیت کامل را با افتخار به فروشنده واگذار می کند. یعنی اگر مشتری پس از خرید و کسر ۸ درصد مالیات، هوس کند کالا را مرجوع کند، این دیگر مشکل سازمان امور مالیاتی نیست! مالیات کسر شده به هیچ عنوان قابل استرداد نیست و فروشنده موظف است با به کارگیری همه مهارت های مذاکره، از جمله: خواهش، التماس، گریه، زاری، جون هرکی دوست داری بی خیال، بیا این جنس رو زیر قیمت ببر ولی پس نده، مشتری را از تصمیم خود منصرف سازد.

**فروردین ۱۴۰۵:** معاون رئیس جمهور در پیام نوروزی خود از سازمان امور مالیاتی بابت این

حجم از مردم داری تشکر کرد. گفتنی است از سه ماه قبل، مؤدیان پیامکی با این مضمون دریافت کرده اند: ای مؤدی گرامی! محال شمارا درک می کنیم. پرداخت یکجای ۱۰ درصد مالیات، کمرشکن است. لذا با نهایت لطف و کرامت، فعلا همان ۸ درصد را از شما می گیریم و برای پرداخت ۲ درصد باقی مانده، سه ماه کامل صبر می کنیم تا نفسی تازه کنید!

**اردیبهشت ۱۴۰۵:** سازمان امور مالیاتی اعلام کرد که همه کارت خوان های تمام اصناف کشور به زودی قطع خواهد شد و اصلا کارت خوان خود سازمان امور مالیاتی در مغازه ها نصب می شود تا ۱۰ درصد این پول از همان ابتدا به حساب خزانه وارد شود و خلاصه نیازی به چرخاندن لقمه دور سر نباشد.

اگر پس از کسورات مالیاتی تهش چیزی ماند، ته مانده آن به حساب صاحبان فروشگاه ها واریز خواهد شد. که البته هزینه کارت به کارت از آن کم خواهد شد.

**خرداد ۱۴۰۵:** رئیس سازمان امور مالیاتی گفت: بردگانی که اهرام مصر را ساختند، صبح آفتاب زنده شروع به کار می کردند. چرا اصناف از ساعت ۹ و ۱۰ صبح شروع به کار می کنند؟ وی در ادامه گفت: به خاطر مالیاتش نمی گم، به خاطر خودشون می گم!

صفحه ۲  
۸ آذر ۱۴۰۴  
شماره ۱۵۶

## کنج تو کنج

منصوره احمدی

### مجلس شورای اسلامی در حاشیه شایعه استعفای عارف، معاون اول رئیس جمهور



بفرما! این قدر استیضاح نکردیم که خودشون دارن استعفا می دن! به استیضاح می کردیم کلا اونم بره هوا. پس فردا به ما هم عین دولت نمی گن تبیل خونه؟

فعلا بشین سر جات یه گلی برای این سیم کارت سفیدای لورفته به سر بگیریم. بعد به اون هم می رسمیم.

### رئیس جمهور و وزیر اقتصاد در همایش سالانه بازار سرمایه ایران



یه هفته ست مدارس تعطیله آقا. ولی ما هم کسر آنی مالیات از کارت خوان ها رو ردیف کردیم. هم گرونی بنزین، هم افزایش ۱۵۵ درصدی تخم مرغ و برنج. خیالتون راحت، ما تعطیل نکردیم قریان!

مشقات رو نوشتی، بیوش بریم مدرسه. ببینم اوضاع درس و مشقت چطوره پسر.

### عملیات اطفای آتش سوزی جنگل های هیرکانی



داداش اونکه پونزده روزه داره می سوزه، ول کن بیا اون یه قلب آبت رو بپاش روی ما. خشک سالیه، دهمنون سرویس شده از تشنگی.

### در حاشیه دیدار تیم های استقلال و الوصل امارات



جسارتا به خاطر اینکه ما میزبانیم، بابت این تأخیر، با ۱۰ هزار دلار جریمه می شیم یا استقلال از بازی خانگی بعدی محروم می شه!

اینکه تیم الوصل توی شاخص آلودگی ۲۳۳ داره می آد قلعه حسن خان مسابقه به کنار، اومده میان بر بزنه، گوگل میش قاط زده رفته توی باقالبیا! حالا ببین ناظر مسابقه چه جریمه ای براشون بره.

## فقط ناله کن

از صبا هر دم مشام جان ما خوش می شود  
آری آری طیب انفاس هواداران خوش است  
ناگشوده گل نقاب، آهنگ رحلت ساز کرد  
ناله کن بلبل که گلبانگ دل افکاران خوش است  
از زبان سوسن آزاده ام آمد به گوش  
کاندر این دیر کهن، کار سبکباران خوش است

در بیت اول جناب لسان غیب از آلودگی ها به تنگ اومده و می فرماید دلمون به باد صبا خوشه که بیاد و آلودگی رو بره، ولی معلوم نیست کی بیاد. فعلا به هوادارا و مریدا گفتیم همه فوت و ها کنن، شاید آلودگی دورو برمون کم شد!

در بیت دوم جناب خواجه اشاره ای گذرا به ناترازی ها داره و می گه هنوز از ناترازی برق و خاموشیا خیالمون راحت نشده که رسیدیم به فصل سرما و ناترازی گاز. می فرماید فقط می شه غرزد و ناله کرد و در نهایت بتونیم کولرگازیامون رو برقی کنیم!

در بیت سوم هم می فرماید با وجود همه ی مشکلات و بی آبی و بی برقی و بی گازی و آلودگی و... کلابی خیال باشین. شل بگیرین، مثل رئیس جمهور!



در حاشیه عدم صدور ویزا و انصراف ایران از حضور در مراسم قرعه کشی جام جهانی



صفحه ۲  
۸ آذر ۱۴۰۴  
شماره ۱۵۶

## یک تصمیم بیست برای خودروهای صفر!

**بیست ترین تصمیم هفته:** اعلام شد به خودروهای صفر هیچ سهمیه بنزینی تعلق نمی گیرد. یعنی خودرو صفری که مصرفش کمتر است، سهمیه ندارد، ولی سهمیه خودرو فرسوده پرمصرف که خروجی آگروزش شبیه نیروگاه های مازوت سوز است، سرجایش است. البته خودمانیم! یک جا هم هوای دهک های پایین را داشته باشند بد نیست، حتی اگر اشتباه باشد و هوا را از اینکه هست هم سمی تر کند!

**پررفت و آمدترین شیر هفته:** رئیس انجمن صنایع لبنی گفت: گران شدن روزانه شیر سبب شده است که شیر از مغازه ها به سمت کارخانه ها برگشت بخورد و تبدیل به شیر خشک شده و صادر شود. خلاصه وضعیت شیر خام طوری است که هر روز به میان مردم می رود، از نزدیک با مشکلاتشان آشنا می شود، قدرت خریدشان را می سنجد و چون کاری از دستش بر نمی آید، از خجالت پودر می شود و بعد برای محوشدن در افق، از مرز خارج می شود.

**خیلی تأثیرگذارترین نظرات هفته:** عارف گفت: دولت نظرات مردم درباره مصوبه بنزین را اخذ می کند. بحث اهمیت نظر مردم شد، یاد مادر بزرگم افتادم که وقتی شب خواستم خانه شان بخوابم و جاها را پهن کند، نظرم را پرسید و گفت: جات رو توی هال پهن کنم یا اتاق؟ گفتیم: اتاق و بعد از اخذ نظرم، جایم را توی هال انداخت!

**یکهویی ترین برنامه هفته:** یادتان است سخنگوی دولت مدام می گفت دولت هیچ برنامه ای برای گران کردن سوخت ندارد؟ شاید با خودتان بگویید تصمیم هفته قبل، خلاف این ادعا بود. اما ما همچنان معتقدیم دولت برنامه ای برای گران کردن سوخت نداشت، همین طور بی برنامه و یکهویی گران کرد. همان طور که بقیه اجناس هم بی برنامه و یکهویی گران می شوند! ضمناً حواستان به این هم باشد که دولت اخیراً گفته است برنامه ای برای حذف یارانه دهک های یک تا هفت ندارد.

## زاینده و رتبه یل به پیست اسب سواری ش (ایرنا)

چه تصویری؟! چه کابوسی؟! چه خوابی؟!  
نمی بینی به هر جا جز سرابی  
سواری در کجا؟ در رود؟! ای وای!  
یقین داری نبوده اسب آبی؟!!

## گریه بالاهش هورمون استرس حال ما را بهتر می کند

می دونم دست تو تنگه  
که کمیت دیگه لنگه  
اگه می خوای بشی بهتر  
«گریه کن، گریه قشنگه»

## گلایه نماینده مجلس از وزیر بهداشت خراب شدن آمبولانس حامل بیمار در جاده

به امداد داره نیاز آمبولانس!  
وزیرش ولی خوابه در کنفرانس  
و خیمه. فقط حال بیمار نه  
که ناجی اون، ای به خشکی شانس!

## قیمت تنم مرغ پیواز که (شه آرا)

آهای! ای مرغ ناز پرحنایی  
به محصولت بگو خیلی بلایی  
مگه مرغی که بال و پر درآری  
چطوری پر زدی تخم طلایی؟

# فارغ التحصیلان در آینده نه چندان دور



بخشین من هرچی حساب می‌کنم نمی‌فهمم چرا برای اون سال دوم کارشناسی ارشد که دیگه حذف شده باید شهریه بدیم!

بین همون دو سال رو واستون چیوندیم توی یک سال! طولش کم شده ولی عرض بیشتر شده! شهریه هم که بر اساس مساحت گرفته یا دوباره توضیح بدیم؟

حسابداری  
دانشگاه

وزیر علوم اعلام کرد طول دوره کارشناسی ارشد یک سال می‌شود و دکتری هم از چهار سال به سه سال تقلیل داده خواهد شد. به جای آزمون جامع، دانشجویان دوره دکتری یک مقاله پژوهشی یا اختراع می‌توانند داشته باشند. چون یک سال وقت می‌گذارد تا آماده امتحان جامع شود؛ همین زمان را می‌تواند وقت بگذارد و تولید علم انجام دهد. برای همین به چند سال بعد می‌رویم تا سرنوشت دانشجویانی را که با این سیستم درس خوانده‌اند، بررسی کنیم.

## استاد دانشگاه سرکلاس درس

متأسفانه جوانای الان قدر درس و علم رو نمی‌دونن. زمان ما دکتری سه سال بود، مثل الان نبود که شش ماه بعد از دیپلم، مدرک دکتری بگیرن. ما شب تا صبح درس می‌خوندیم، چون صبح تا شب مشغول تولید علم و آزمایش و اختراع و اکتشاف و ابداع بودیم... سرها روی ورقه... (استاد این سؤال جوابش نیست...) بده ببینم... دو ضرب در دو چند می‌شود... چشمت رو باز کن، گزینه‌ها رو خوب نگاه کن... (استاد ولی توی گزینه‌ها سه و هفتاد و پنج نداره...) خب گردش کن، بله، داشتم می‌گفتم... من خودم در فاصله ارشد تا دکترا، ۲۷ تا اختراع ثبت کردم. از دستگاه تبدیل آب به بخار گرفته تا ابزار جداساز زرده از سفیده تخم مرغ. ولی دانشجویهای الان... (استاد به برگه اضافی می‌دین؟) باریکلا، برگه کم آوردی؟ (نه استاد، شیرکاکائوم ریخت روش!)

## مهندس عمران، ساختمان در حال ساخت

بله، من هم بعد از دوره کوتاه شده تحصیلات، فارغ التحصیل شدم تا اختراع و اکتشاف کنم. من چون هم زمان با درس کار هم می‌کردم، به نسبت بقیه همکارها خیلی دستم جلو بود. بلافاصله پس از تموم شدن درسم شرکت زدم و با چندتا از هم دوره‌ای‌ها شروع کردیم به ساخت و ساز و همون طور که الان می‌بینن، خیلی هم درکارمون موفق هستیم و روز به روز داریم بیشتر پیشرفت می‌کنیم... پسر اون قابلمه رو از سر راه بردار... (مهندس این استامبولیه!)... توی قابلمه بنایی استامبولی درست کردین؟ اه... از سر راه بردار که خاک نریزه توش... (نه اسمش استامبولیه...) چرا این ستون رو کج جوش دادین؟ (مهندس، طبق نقشه خودتون انجام دادیم!) چشمای کورت نمی‌بینه که این حداقل دو متر و نیم کج؟ شاید نقشه اشتباه تایپی داشته... زود راستش کنین تا ساختمون نریخته... وای وای... برین کنار... ریخت...

## فوق تخصص مغزو اعصاب، اتاق عمل

یادش به خیر، زمان ما دوره تحصیلات کم شد. اول که خبر رو شنیدیم، خیلی ناراحت شدیم که کمتر درس می‌خونیم. ولی دوسه دقیقه بعدش که فکر کردیم، دیدیم اتفاقا خوبه و خوش حال شدیم. البته که دوران دانشجویی خیلی خاطره داره و هرچی بیشتر باشه بهتره، ولی اینکه زود تموم کردیم و تولید علم کردیم و به بازار کار رسیدیم تا جان مردم بیشتری رو نجات بدیم، واقعا ارزش داره... اون انبردست رو بده... (دکتر انبردست نداریم که!)... همون چیزه که مثل قیچی باز و بسته می‌شه... (دکتر منظورتون پنسه؟ بفرمایین) دستت درد نکنه. این طور که از ام‌آر‌آی بیمار مشخصه، خاطرات بدی توی مغزش داره، باید اینا رو دربیارم تا حالش خوب بشه... (دکتر جسارتاً که به اونجای مغزش دست بزنین کلا حافظه‌ش رو از دست می‌ده‌ها!)... عه، دیرگفتی... خخخ!

صفحه ۴  
۸ آذر ۱۴۰۴  
شماره ۱۵۶

## برون‌ریزی کنید

ریشه همه بیماری‌ها همین چیزهاست که هی توی خودتان می‌ریزید و دم نمی‌زنید. رها کنید. تاکی می‌خواهید به خودتان فشار بیاورید؟ یک بار برای همیشه از ته دل سرفه کنید. هیچی نباید شما را محدود کند.

## ادب داشته باشید

ماسک یک وسیله دفاعی است، اما شما را به خدا در حضور رئیس‌تان چه دفاعی بهتر از یغل و روبوسی؟ اصلا ماسک زده روی تان می‌شود توی چشم ارباب رجوع نگاه کنید؟ ادب کارمند به ز سلامت اوست.

## دید و بازدید کنید

دنیا کلا دو روز است؛ آن را هم می‌خواهید تنهایی بگذرانید؟ بابا ویروس را کی داده و کی گرفته! آن کرونا را لولو برد! راحت باشید. شل کنید و از زندگی لذت ببرید. به دیدار اقوام دور و نزدیک بروید. فقط خاطره است که می‌ماند.

## ای ویروس که می‌روی به سویش...



فرهنگ شهروندی  
فرزانه زینلی

## روزنوشتهای مسئول تعطیل کنون



پس از کش و قوس فراوان، اعلام شد بر اساس تصمیم‌گیری انجام شده، پنجشنبه‌ها در مشهد و کلیه شهرستان‌های استان تعطیل و دورکاری خواهد بود. حالا که همه مملکت تعطیل یادورکار شده است، برویم دفتر خاطرات یک مسئول تعطیل کردن را بخوانیم تا ببینیم چه ساز و کارهایی پشت این تصمیم‌ها نهفته است.

## ۱. آلودگی و انسانیت

امروز هوا خیلی آلوده بود. کارگروه هواشناسی اعلام کرده که اگر یک شخص نیم ساعت در معرض هوای بیرون قرار بگیرد، از حالت انسانیت خارج خواهد شد. با معاون‌ها و مشاوران شور و بررسی کردیم، دیدیم به صلاح نیست که مشاغل و مدارس تعطیل شوند. فقط از دورکار کنند.

## ۲. رلسوز شیفت‌ها

امروز هوا بهتر شده بود. گفتیم برای اینکه آلودگی دیروز شسته شود، مدارس شیفت صبح را تعطیل کنیم. سرظهر دلمان برای شیفت بعد از ظهری‌ها سوخت، آن‌ها را هم تعطیل کردیم. هر چند خیلی غرزدند که چرا این قدر دیر تعطیل کردن.

## ۳. نورازگار

هی می‌گویند تعطیل نکنید، کاروکاسی مردم کساد می‌شود. برای همین تصمیم گرفتیم چند روزی مشاغل را دورکار کنیم. شب خبر رسید که اینترنت قطع بوده و هیچ کاری از دور انجام نشده است.

## ۴. ویروس جدید

معاون ویروسی وزیر بهداشت نامه محرمانه زده بود که یک ویروس جدید کشف شده که خیلی سرایت پذیر است. خواسته بود که یک هفته همه چیز را تعطیل کنیم. ولی امکان ندارد، مملکت فلج می‌شود. باز اصرار کردند. گفتیم پس فعلاً یک روز ریمیان تعطیل و دورکاری کنیم تا ببینیم تعداد تلفات و بستری‌ها چقدر می‌شود. بعداً تصمیم نهایی را خواهیم گرفت.

## ۵. غصه جنگل

مدیریت جنگل سوزی محیط زیست تماس گرفت و گفت نصف جنگل‌های هیرکانی دارد زغال می‌شود. چون مردم کاری از دستشان بر نمی‌آید، اعلام کردیم که سه روز تعطیل شود تا در خانه بمانند و به کارهای بدشان فکر کنند و برای جنگل‌ها غصه بخورند.

## ۶. خانه‌مانی با گاز برق

خبر رسید که این چند روز مردم در خانه ماندند و این قدر بخاری و شوفاژ روشن کردند، مصرف گاز و برق بیشتر از قبل شده است.

## ۷. حمله به شمال

خبر رسید که با اعلام تعطیلی، مردم به سمت شمال حمله کردند.

## ۸. استوری برودت و لغزندگی

چند سالی است که برای برودت هوا و لغزندگی معابر تعطیلی نداشته‌ایم. دلمان برای این کلمات تنگ شده بود. اعلام کردیم تا آخر هفته برای جلوگیری از برودت هوا و یخبندان و لغزندگی معابر، مدارس تعطیل. اعتراض کردند که هوا ۲۰ درجه است و خورشید مثل چی می‌تابد. گفتیم پس برای سرعت اینترنت دورکاری کنیم تا مردم بهتر پست و استوری بگذارند.

## ۹. بررسی رقیق

شرکت نفت گفت که گاز کم است. وزارت نیرو هم گفت برق نداریم. خواهش کردند یک هفته تعطیلات زمستانی بدهیم. با بررسی‌های دقیق کارشناسانه به این نتیجه رسیدیم که به جای یک هفته، پنج روز تعطیل سراسری اعلام کنیم، بقیه هم دورکار باشند.

## خود را تقویت کنید

بزشکان طفلکی معمولاً گرفتارند؛ آن هم حالا که بازار ویروس‌ها حسابی داغ است. چه بهتر که شما شخصاً بار سنگین مراقبت از خودتان را از دوش علم بردارید. سری به گشوی قرص و داروها بزنید و از هر بسته، عجالتاً یکی ببندارید بالا تا ببینیم چی می‌شود.

## عجله کنید

از قدیم گفته‌اند کار امروز را به فردا مینداز. نشانه‌ها را جدی بگیرید. عطسه کردید؟ سریع به اورژانس بیمارستان بروید. حادثه خبر نمی‌کند. از کجا معلوم شما اولین مبتلا به یک ویروس آخرالزمانی نباشید؟

## باز هم دید و باز دید کنید

حالا که دیگر بیمار شدید، واقعا شل کنید. از کجا معلوم صبح فردا را ببینید؟ همین حالا برای دیدار شوهر عمه‌تان قرار بگذارید. اصلاً ویروس‌ها هم نیازمند گردش و آشنایی با آدم‌های جدید هستند و کی بهتر از شوهر عمه؟

## تجربه‌ها را منتقل کنید

در باره علائم بیماری‌تان، داروهایتان، روش‌هایی که پزشک موافق نبود اما شما برای رفع گلودرد امتحان کردید، اولین سرفه‌ها، اولین عطسه‌ها، روش تضمینی بند آمدن آب ریزش بینی با وجود پنبه و هرکاری که کرده‌اید، برای بقیه توضیح بدهید. دنیا به امثال شما احتیاج دارد.



امیر قلعه نویی:

# بین بلژیک و آلمان دوست دارم با بلژیک بازی کنیم

صفحه ۶

عارف:

عواید حاصل از مصوبه

بنزین در قالب **یک دفتره** **۱۰۰ لیتر** به مردم ارائه می شود

نود درصد

**موتورسیکلت ها** **از س از عابران تری پیاده رو** **فحش شنیده اند** **فریاد و اند** **افسرده**

وزیر کشاورزی آمریکا:

**فوق کسینز و جعفری را تا قبل از اینکه به عنوان وزیر کشاورزی بیایم** **روناالدو را در کاخ سفید نشناختم**

یک مسئول محیط زیست:

**کامیون های با عمر نود سال داریم که در حال تردد هستند** **از سست میزید مسئولیت، به سست میزید مسئولیت دیگر**

سازمان لیگ:

**تعداد تماشاگران برابر** **برای لغو بازی، شاخص** **آلودگی هوا باید بیشتر از ۲۰۰ باشد**

مربی تیم ملی:

**اینکه بازیکنی جای از برنش** **بدون **اف** **سور**** **به جام جهانی رفتیم**

پزشکیان:

**به خاطر کسری** **شماره های بزرگ** **بودجه باید دولت** **را کوچک کنیم** **پای بچه های**

در حاشیه فشار روی زلنسکی  
برای قبول طرح صلح!

صفحه ۶  
۸ آذر ۱۴۰۴  
شماره ۱۵۶

آره بابا. بیا بریم جلو  
دوربین بگیریم صلح کردیم.

ایول! دمت گرم! خوب  
اوکراین رو نصف کردیم!

زلنسکی جان. بیا یک  
طرح خوب آوردم برات  
که صلح کنی با روسیه.

چی چی هست؟

چی به من می رسه  
اون وقت؟!

آقا بیا نصف اوکراین  
رو بده به من.

آره. نوبل رو  
بدین من.

با خویشتن داری ما و همکاری  
ترامپ بالاخره صلح شد.

خاک و چوک!

یا صلح کن  
و خاکت رو بده به ما  
یا ما هم بهت حمله می کنیم.

ایول! قبوله.

نصف دیگه اوکراین  
هم مال تو.

ناسوس

فرشته شایان

جدی فکر می کنیم من که سر دوراهی  
خرید بین به شونه تخم مرغ یا به  
کیلو برنج پاکستانی گیر کردم. می آم  
پول بدم گوجه بخرم؟ به جا دیدم  
تخم مرغ محلی ۹ عددی ارگانیک  
رو به مناسبت بلک فرایدی می داد  
۳۹۵ هزار تومان. یعنی دونه ای ۴۳ تومان.  
البته می تونستی اقساطی هم پرداخت  
کنی! هرچور فکر می کنم، بزرگوار قسطی  
رو فقط باید بذاری زیرت جوجه شه  
تبدیل به سرمایه ش کنی تا بیرزه!



هاشم آقا

عین این سیم کارتای  
سفید، تپش می بینی  
از همه چی سفید ش  
رو به این مسئولای  
خدمتگزار می دادن. اینام  
گوجه فرنگی های سفید  
دم خونه احمدی نژاد اینا  
بوده. عین این پرتقالا که  
ویدئوش اومد، می کردن  
توی تشت رنگ، افتادن  
توی تشت رسوایی!



موش خبرنگار

سندرم گوجه فرنگی صد هزار تومانی: هر  
عدد گوجه ۱۵ هزار تومان، معادل ۱۰ لیتر بنزین!  
(ایران جیب)

ای حناق بگیرین این قدر هرچی رو با بنزین  
مقایسه کردین که دولت روش زیاد شد بنزین  
رو همچین سوسکی داره می کشه بالا که عین  
سندرم قورباغه پخته توی دیگ، بیهو می بینیم  
بابت به باک بنزین که قبلا پول نیم کیلو گوجه  
بود، داریم پول یک کیلو برنج رو می دییم!



راننده اسنپ



صفحه ۷  
۸ آذر ۱۴۰۴  
شماره ۱۵۶

## پامپ بنزین

**سرویس - کا (با فعلا چهار کافالوئر)**  
صفحه اجتماعی سرویس کاری است که خراب کاری بقیه را روایت می کند:

امروز از یک پمپ بنزین تماس گرفتند و گفتند دستگاه های ما نیاز به تنظیم مجدد دارد. من هم با اینکه بی انرژی بودم، خودم را رساندم و شروع کردم به تنظیم دستگاه ها.

همان طور که من مشغول تنظیم بودم، خودروها به نوبت می آمدند و بنزین می زدند و می رفتند، ولی نکته جالب آن بود که رانندگان خودروها با یکدیگر حرف می زدند! کمی که دقت کردم، متوجه شدم پمپ بنزین مکان جلسه مخفیانه چند دستگاه و نهاد و اداره با یکدیگر است و دارند درباره تغییر نرخ بنزین گفت و گومی کنند! مثلاً دوتا خودرو، یکی پیکان قدیمی و دیگری سمند تاکسی، وارد لاین پمپ بنزین شدند و کنار هم پارک کردند و از دوطرف شروع کردند به بنزین زدن.

راننده پیکان در حال بنزین زدن به آهستگی به راننده تاکسی گفت: «چرا با سمند تاکسی او مدتی جلسه؟! راننده سمند تاکسی گفت: «این جوری کمتر مشکوک می شن! تازه ما هم مثل مردمیم، یکی مثل میلیون هالیسانسه و فوق لیسانسه که دارن مسافركشی می کنن! خودت چی؟! آخه با پیکان؟! راننده پیکان گفت: «ما خودمون اگه ساده زیستی رو فراموش کردیم، مردم قدر شناس ما که ساده زیستی ما رو فراموش نکردن! ضمن اینکه آقازاده بی ام و رو توی دور دور مالونده به جدول، تعمیرگاهه!» راننده سمند گفت: «حالا بگو بنزین رو چه قیمتی

بذاریم؟! راننده پیکان گفت: «۴۲۰۰ خوبه؟! راننده سمند گفت: «مگه ارزه؟! راننده پیکان گفت: «اگه برای واردات بنزین ارزمی دن، به ما هم بگو! آقازاده از وقتی قارقارک ما تعمیرگاهه، بیچار شده! مدام توی ساعدی نیا و لمیز لم داده!» متصدی پمپ بنزین به آرامی گفت: «زودتر حرکت کنین تا مشکوک نشدن.» و بعد بلند داد زد: «آقا حرکت کنین، مردم معطل شمان!» سپس دو خودرو دیگر آمدند. هردو، شیشه دودی. نیم سانت پنجره را دادند پایین و سوئیچ را به زور رد کردند و تحویل متصدی دادند تا برایشان بنزین بزند. من فقط دو تا صدا می شنیدم. اولی گفت: «خب حالا مردم شوکه نشن!» دومی گفت: «نه خیر. مردم به شوکه شدن دیگه عادت کردن! شما فقط پلکانی ببرین بالا!» و بعد رفتند.

سپس یک خودرو شاسی بلند و یک پراید ۱۴۱ قدیمی وارد شدند. راننده شاسی بلند پیاده نشد و از همان بالا باراننده پراید صحبت کرد و گفت: «نظر شما مردم چیه؟! صدایی نیامد. بلند گفت: «شمارو نمی بینم! نمی تونستی یه ماشین شاسی بلند بگیر ی تا این قدر گردن من درد نگیره؟! باز هم صدایی نیامد.

راننده شاسی بلند خسته شد و گازش را گرفت و رفت. جلسه دستگاه ها و افراد باریط و بی ربط که تمام شد، به مسئول پامپ کردن بنزین... ببخشید پمپ بنزین گفتم: «منظورتون این دستگاه ها بود که نیاز به تنظیم دارن؟! گفت: «آره. دستگاه های ما نیاز به یه سرویس اساسی داره!»

## ایجو، ملگتن مهدی محمدی

اردوغان:

«ما وارثان لقمان حکیم و ابن سینا، بنیان گذار طب نوین، هستیم.»

(فارس)

سازنده برج پیزا:

ما وارثان سازندگان گونیا و نقاله و شاقول هستیم.

چوپان دروغگو و پینوکیو:

ما وارثان صداقت و راستگویی و نداشتن خرده شیشه از نجم الدین شریعتی هستیم.

قلعه نویی:

ما و همه کادرفنی تیم ملی وارثان سرالکس فرگوسن و بنیان گذاران تیکی تاکا و این جور صحبت ها هستیم.

موساکوئقی:

ما وارثان تیزی و چالاکی و سرعت عمل پرندگان مثل شاهین و عقاب هستیم.

پزشک زیرمیزی بگیر بدون کارت خوان:

ما وارثان بقراط، نگارنده سوگندنامه پزشکی، با اون یارو چیه اسمش، آها، دکتر ارنست هستیم.

خبر: اثرات پنهان آلودگی هوا بر پیری زودرس مغز  
(باشگاه خبرنگاران جوان)

## دزد جوانی

وقتی دل سودایی می‌رفت به میلان‌ها  
بی‌خوابی‌اشم کردی دود و دم نیسان‌ها  
که بوق زدی خاور، که داد، یکی دیگر  
هر سوی یکی ساید مغز تو چو سوهان‌ها  
هر سوی ترافیک و اوضاع تراژیک و  
صدک‌چوبه باریک و ما بی‌سروسامان‌ها  
از خودرو فرسوده بینی چه به جز دوده  
هر دم کند آلوده بس‌کوچه و میدان‌ها  
اشک است که می‌بارد از گوشه هر چشمی  
اشکی که چنین دیده از دوره اشکان‌ها؟!  
بردار ز چشمانت آن عینک دودی را  
دودی ست خود شهر از انبوه اتول‌ران‌ها  
هر سوی روی بینی صد خودرو اسقاطی  
خودرو نه، بگو گاری، گاری نه، دلیجان‌ها  
هر سوی روی چیزی جز سرب نمی‌بینی  
تعطیل چو دیروز است امروز دبستان‌ها  
این تیتیر فقط باشد سرفصل خبرها در  
همشهری و شهرآرا، هم میهن و کیهان‌ها  
هر روز هزاران تن قربانی این دوداند  
«ما نیز یکی باشیم از جمله قربان‌ها»  
دی گفت طبیعی در یک پست اینستایی:  
این دود جوانی را می‌دزد از انسان‌ها  
«آن را که چنین دردی از پای دراندازد  
باید که فروشید دست از همه درمان‌ها»  
آن قدر به هر جایی صحبت ز دم و دود است  
کز یاد همه رفته، افسانه پژمان‌ها!  
گویند مگو صانع اشعار چنین تیره  
«می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها»

شوخی  
الهه آراتیان

الهی!  
ما که صاحبان فیلترشکن‌های بی‌شماریم و به  
اینترنت سفید دسترسی نداریم، فقط به ارتباط  
بی‌فیلتر با تو دل خوشیم، و چه از این بهتر؟!

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا  
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیر مسئول: سیدمیرمحمد موسوی مهر  
سرمدیر: سیدمسجد طلوع هاشمی  
دبیر: شایان: از رنگ حاتمی  
دبیر پلخمون: مجتبی نضعی‌راد  
صفحه آرایی: ساعد عاشوری / ملک جمعی

پیمک: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraranews.ir

## هیجان خرید در تخفیفات فصلی

تخفیف‌ها بد نیست و در این اوضاع اقتصادی که کماکان در برهه حساس کنونی  
هستیم، حس خوبی دارد. اما لایه‌لای این فصل تخفیف‌ها، برخی سود جوها  
با تخفیف‌های قلابی در کمین خریدارانی هستند که هیجانی خرید می‌کنند.  
حواسمان باشد:

